



قطعه‌ای از بهشت

با مدیر و آموزگاران مدرسه‌ی استثنایی زمردیان کرج

گفت‌وگو: سمانه آزاد
عکس: رضا بهرامی

دیگر مدارس کمی متفاوت است. «صدیقه صالحی» مدیر و «میترا رحمانی» سرپرست آموزشی مدرسه‌ی استثنایی زمردیان درباره‌ی این تفاوت‌ها با ما سخن گفته‌اند.

مدرسه‌ی استثنایی زمردیان در شهرک ۱۷ شهریور کرج، در جاده‌ی ملارد واقع شده است. ساختمان این مدرسه را آقای زمردیان در سال ۱۳۸۰ به آموزش و پرورش استثنایی اهدا کرد اما به دلیل قدیمی بودن، آن بنا تخریب و به جای آن ساختمان کنونی ساخته شد و در تیرماه ۱۳۹۱ به بهره‌برداری رسید. در زمان ساخت مجدد، ۵۶ دانش‌آموز در مدرسه مشغول به تحصیل بودند. مدرسه متناسب با نیازهای دانش‌آموزان استثنایی ساخته شده است اما چون ۱۰۰ نفر به تعداد دانش‌آموزان افزوده شده، اکنون مسئولان مدرسه با کمبود فضای آموزشی مواجه‌اند. البته با استفاده از حیاط مدرسه می‌توان فضای آموزشی مدرسه را گسترش داد که البته این کار نیازمند بودجه

اشاره

تنها چند روز مانده به روز جهانی معلولان میهمان مدرسه‌ی استثنایی زمردیان کرج شدیم. جایی که به قول مدیرش، صدیقه صالحی، «دانش‌آموزانش واقعاً پاک و معصوم‌اند» و «ورود به این مدرسه نشانه‌ی توفیقی است که خداوند عطا می‌کند.»

شاید به همین دلیل هم بتوان آنجا را تکه‌ی کوچکی از بهشت دانست. مدیر و معلمان این مدرسه با عشقی مثال‌زدنی مشغول به کارند. معلمان با صبر و شکیبایی مضاعف بارها مطلبی را برای دانش‌آموزانشان تکرار می‌کنند؛ بدون آنکه خم به ابرو بیاورند و همین که دانش‌آموزانشان بعد از مدت‌ها تمرین و تکرار حرفی را بیاموزد، انگیزه‌ای است برای ادامه‌ی راهشان. از این‌رو در مدرسه‌ی استثنایی زمردیان و مدارسی مانند آن، شرایط با



است. اکنون در مدرسه‌ی زمردیان ۱۵۶ دانش‌آموز مشغول به تحصیل‌اند که عمدتاً کم‌توان ذهنی هستند. علاوه بر این، مدرسه به ۷۵ دانش‌آموزان تلفیقی که در مدارس عادی درس می‌خوانند خدماتی ارائه می‌دهد.

چرا مدرسه‌ی استثنایی؟

شاید در برخورد نخست با معلمان و مدیرانی که در مدارس استثنایی مشغول به خدمت‌اند اولین سؤالی که پیش می‌آید این باشد: چرا کار با کودکان استثنایی را انتخاب کرده‌اند؟ در پاسخ به این پرسش، دو گروه از معلمان و مدیران را خواهیم داشت. نخست گروهی که با علاقه‌ی قبلی به این عرصه قدم گذاشته‌اند و دوم، گروهی که دست تقدیر آن‌ها را به این مدارس کشانده است. **صدیقه صالحی** مدیر مدرسه‌ی استثنایی زمردیان از گروه نخست است: «رشته‌ی دبیری کودکان استثنایی از اولین انتخاب‌هایم بود، چون واقعاً این بچه‌ها را دوست داشتم. با وجود اینکه در خانواده با این بچه‌ها برخورد نداشتم اما به یاد دارم خواهر یکی از معلمان دوران دبیرستانمان

صدیقه صالحی

کم‌توان ذهنی و معلول جسمی بود. آن زمان می‌دیدم که نگاه دیگران به او چگونه است. زمان انتخاب رشته ناخودآگاه با یادآوری او، دبیری کودکان استثنایی را انتخاب کردم. البته بسیاری از اطرافیانم اعتقاد داشتند نخواهم توانست این رشته و کار را ادامه دهم؛ چرا که کار با این گروه از بچه‌ها سخت است اما من عاشق آن‌ها هستم. گرچه فقط یک سال معلم بودم و از آن به بعد سرپرست آموزشی، معاونت و مدیریت مدرسه را تجربه کرده‌ام اما می‌توانم بگویم که تبحر کار با هر گروه از بچه‌های استثنایی را دارم.»

میترا رحمانی از گروه دوم است. او که اکنون سرپرست آموزشی مدرسه است می‌گوید: «من بیشتر رشته‌های حسابداری و مدیریت را دوست داشتم اما به دلیل نوع انتخاب رشته‌ام، در رشته‌ی روان‌شناسی قبول شدم.

البته گمان می‌کردم در روان‌شناسی بالینی پذیرفته شده‌ام اما دانشگاه، همه‌ی دانشجویان ورودی نیم‌سال دوم را در رشته‌ی روان‌شناسی کودکان استثنایی پذیرفت. می‌توان گفت که اصلاً به این رشته علاقه نداشتم. حتی روز اولی که به مدرسه‌ی استثنایی رفتم، پیش خودم گفتم چطور می‌توانم با این بچه‌ها سروکار داشته باشم اما مدتی بعد متوجه شدم با بچه‌های استثنایی راحت‌تر می‌توان ارتباط برقرار کرد. ظاهر و باطنشان یکی است و پیچیدگی‌های بزرگسالان را ندارند.»

قدم نخست: عاشقی

«هر کسی با هر سمت و عنوانی که می‌خواهد وارد مدرسه‌ی استثنایی شود باید در

وهله‌ی اول عاشق باشد.» به نظر صالحی این نخستین شرط کار برای کودکان استثنایی است؛ چه معلم باشی چه مدیر. اما مدیران چه نکاتی را باید مدنظر داشته باشند؟ صالحی در این باره می‌گوید: «مدیر مدرسه‌ی استثنایی باید شرایط سخت کاری معلمانش را درک کند. در یک کلاس عادی ممکن است چند نفر دیرتر از بقیه موضوع درس را متوجه شوند ولی معلم استثنایی ممکن است برای یک دانش‌آموز مطلبی را صدها بار تکرار کند. این در حالی است که اگر همین دانش‌آموز چند روز به مدرسه نیاید، همه‌ی این مطالب را فراموش می‌کنند. از این‌رو، معلمان

استثنایی بیشتر خسته می‌شوند و به توان و انرژی مضاعفی نیاز دارند. از سوی دیگر، معلمان مدارس عادی نتیجه‌ی کار خود را می‌بینند اما در مدارس استثنایی این روند خیلی کند است. مثلاً شاید دانش‌آموز

در کلاس پنجم بتواند یک نشانی را با طمأنینه بخواند. گرچه معلمان ما معتقدند همین که دانش‌آموز از عهده‌ی امور روزمره‌ی خود برآید برایشان کافی است و این به معنای موفقیتی چشمگیر است. معلمان ما اگر عشق نداشته باشند نمی‌توانند کار کنند. این روند در مدیریت هم همین‌طور است و اینجا معلم نه براساس دستور مدیر بلکه با انگیزه‌ی بالا باید به کلاس برود.»

دو معلم در یک کلاس

همان‌طور که مدیریت مدارس استثنایی با مدارس عادی کمی متفاوت است، تدریس به دانش‌آموزان نیز تفاوت‌هایی دارد. میترا رحمانی در این باره می‌گوید: «در کلاس‌های استثنایی شکاف هوشی بین دانش‌آموزان زیاد است. از این‌رو، تعداد دانش‌آموزان هر کلاس از کلاس‌های عادی کمتر و در حدود ۸-۹ نفر است و آموزش بیشتر به صورت انفرادی صورت می‌گیرد. البته در کلاس‌های



صالحی:
مدیر مدرسه‌ی
استثنایی باید شرایط
سخت کاری معلمان
را درک کند

ما به خاطر کمبود فضای آموزشی تعداد بیشتری دانش آموز حضور دارد و به همین دلیل کلاس به صورت مشارکتی و توسط دو معلم اداره می شود. معلمان بین خودشان تقسیم کار می کنند و هنگامی که یکی از آنان تدریس می کند، دیگری تمرین ها و تکالیف بچه ها را بررسی می کند یا اگر دانش آموزی دیرآموزتر از بقیه است، به صورت انفرادی با او مشغول به تمرین می شود.»

به گفته‌ی رحمانی روش‌های تدریس به کودکان استثنایی هم مراحل گوناگونی

الته روش‌های تدریس به کودکان عادی نیز ممکن است در این مدارس کاربرد داشته باشند: «معلمان حوزه‌ی استثنایی انواع روش‌های تدریس مانند دریافت مفهوم و توضیحی را که در مدارس عادی پیگیری می شوند نیز فرامی گیرند، چرا که ممکن است در مورد یکی از دانش آموزان ما صدق کند و تأثیرگذار باشد. در واقع، برخی از

باشد که معلم تشخیص دهد لازم نیست دانش آموز کلاس اول را در سه سال بخواند و می تواند زودتر این پایه را تمام کند. از سوی دیگر، ممکن است دانش آموزی پنج سال مشغول تحصیل در پایه‌ی اول باشد. چرا که ما به دلیل شرایط خاص بچه‌ها محدودیتی به نام تجدیدی یا مردودی نداریم.»

استثنایی‌ها آمدند!

معلمان برای آموزش مناسب دانش آموزان دشواری‌های زیادی را تحمل می کنند. این دشواری در رابطه با کودکان استثنایی دوچندان است اما وقتی پای صحبت‌های این گروه از معلمان می نشینی، نه از این دشواری‌ها که از نگاه جامعه و حتی همکاران به کودکان استثنایی و معلمان این مدارس گله‌مندند. صالحی در این باره می گوید: «وجود این بچه‌ها برکت سفره‌ی همه‌ی معلمان این مدرسه است اما متأسفانه هنوز نگاه جامعه به بچه‌های استثنایی مناسب نیست. ترحم‌ها و گاه حتی بی‌احترامی‌ها بچه‌ها را آزار می دهد. بسیاری از والدین از نگاه دیگران به فرزند خود در عذاب‌ها به همین دلیل، ما همواره با این خانواده‌ها کنار می آییم و به آن‌ها انگیزه می دهیم.» میترا رحمانی هم معتقد است: «گرچه خیلی از همکاران شرایط سخت کار ما را می دانند اما هنوز هم وقتی در جلسات شرکت می کنیم می گویند: «استثنایی‌ها آمدند!» همه طور دیگری به ما نگاه می کنند و از ما تصور دیگری دارند. امیدوارم این نگاه‌ها تغییر کند.»

ما هم امیدواریم!



روش‌های تدریس با مدارس عادی یکی است اما با تمرین و تکرار بسیار بیشتری نتیجه می دهد.»

پایه‌های مدارس استثنایی هم با آنچه در مدارس عادی می بینیم متفاوت است. صالحی در این مورد چنین توضیح می دهد: «ورود بچه‌ها به مدرسه از پایه‌ی آمادگی است که شامل دو سال است. اگر دانش آموزی از توانمندی بالایی برخوردار باشد این دو پایه را در یک سال می گذرانند. در این پایه، مهارت‌های کلامی و اجتماعی، رنگ‌ها و... آموزش داده می شود. پس از آن کلاس اول است که خود سه سال طول می کشد. یعنی دانش آموزی که در مدرسه‌ی استثنایی کلاس اول سه را تمام کرده باشد مانند دانش آموزی است که در مدرسه‌ی عادی کلاس اول را به پایان رسانده است. البته ممکن است عملکرد دانش آموز به گونه‌ای

دارد: «در وهله‌ی اول معلم از روش مجسم استفاده می کند؛ یعنی هنگام تدریس یک موضوع ابتدا وسیله‌ی کمک آموزشی مربوط به آن را در اختیار دانش آموزان قرار می دهد. چون بچه‌ها با لمس کردن و دیدن بهتر یاد می گیرند. سپس مرحله‌ی نیمه‌مجسم است؛ یعنی معلم همان شکل را روی تابلو نشان می دهد. مرحله‌ی آخر هم مرحله‌ی ذهنی یا مجرد است.»



صدیقه صالحی

کارشناس روان‌شناسی کودکان استثنایی
کارشناس ارشد مدیریت آموزشی
۲۶ سال سابقه‌ی خدمت در آموزش و پرورش
در سمت‌های آموزگاری، سرپرست آموزشی،
معاونت، مدیریت

میترا رحمانی

کارشناس روان‌شناسی کودکان استثنایی
۲۰ سال سابقه‌ی خدمت در
آموزش و پرورش